



نجات مرد میانسال از زیر آوار

ریزش ساختمانی قدیمی مردی را که در آنجا زندگی می‌کرد زیر آوار گرفتار کرد و تا یک قدمی مرگ پیش برد. این حادثه در یکی از مناطق کاشان اتفاق افتاد. زمانی که آتش‌نشانان به محل حادثه رسیدند این مرد ۴۰ساله تا کمر زیر آوار گرفتار بود اما آنها موفق شدند وی را بیرون بکشند و جانش را نجات دهند.

رویداد

#نه به چهارشنبه سوری خطر ناک



جلسه هم‌اندیشی آتش‌نشانان کشور با هدف راه‌اندازی پوشش «نه به چهارشنبه سوری خطر ناک» در سازمان آتش‌نشانی تهران برگزار شد. به گزارش همشهری، صبح دیروز سازمان آتش‌نشانی تهران، میزبان نمایندگان آتش‌نشانی شهرهای مختلف کشور از جمله اصفهان، کاشان، کرج، بندرعباس، قزوین، سمنندج، کرمانشاه، زنجان، زاهدان، قم، اسلامشهر، سمنان، اراک، دماوند، ساری، گرگان، کرمان و... بود.

یکی از مهم‌ترین مسووران آتش‌نشانت که در آستانه فرارسیدن چهارشنبه آخر سال برگزار شده بود، راه‌اندازی پوشش «نه به چهار شنبه سسوری خطر ناک» با شعار چهارشنبه‌سوری ایمن در کنار خانواده بود.

در این نشست سخنگو و مسوولان روابط‌عمومی استان‌ها درباره چگونگی برگزاری این پوشش به‌منظور جلوگیری از رفتارهای حادثه‌ساز در شب چهارشنبه هم‌اندیشی کردند. قدرت‌الله محمدی، رئیس سازمان آتش‌نشانی تهران و کامران عبدولی، معاون حفاظت و پیشگیری این سازمان نیز در این نشست درباره مشکلات و دغدغه‌های آتش‌نشانان صحبت کردند. در حاشیه این نشست، سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران به همشهری گفت: پوشش نه به چهارشنبه سوری خطر ناک در ششمین سال خود قرار دارد و در این پوشش قرار است شهروندان در فضای مجازی پیمان ببندند تا از مواد محترقه خطرناک استفاده نکنند.

او ادامه داد: سال‌ها پیش رسم بود که مردم با برگزاری یک جشن به استقبال سال تازه می‌رفتند. جشن چهارشنبه‌سوری بخش‌های مختلفی نظیر کال گوش ایستادن و حافظ خوانی داشته که اکنون همگی کنار گذاشته شده و فقط به آتش‌بازی رسیده‌ایم. ملکی فرهنگسازی از سسوی رسانه‌ها، آموزش و پرورش و مربیان و معلمان تربیتی را مهم دانست و تأکید کرد: بزرگ‌ترها، معلمان و یاف‌آرادی که به هر طریقی با جوانان سرو کار دارند، باید آنها را از خطر آتش‌بازی‌های غیرمتعارف آگاه سازند.

وی با اشاره به نمونه‌هایی از حوادث تلخ آتش‌سوزی گفت: در یکی از حوادث چهارشنبه سوری، خانواده‌ای در بالکن طبقه سوم یک آپارتمان، آتشی به ارتفاع ۹ متر روشن کردند که باعث آتش‌سوزی در ساختمان شد.

یا اینکه چند سالی است که برخی بالن آرزوها را که هیچ جایگاهی در فرهنگ چهارشنبه‌سوری ما ندارد و مربوط به مناطق شرق آسیا مانند چین و ژاپن است، در شب چهارشنبه‌سوری روشن کرده و به هوا می‌فرستند که بارها باعث آتش‌افروزی در شهر شده‌است. این بالن‌ها گاهی به کابل برق و شاخه درختان گیر می‌کنند و همین باعث آتش‌سوزی می‌شود. به گفته وی، در چهارشنبه سوری سال گذشته یک انبار بزرگ در بهارستان به همین دلیل آتش گرفت.وی همچنین به حوادث مرگبار چهارشنبه‌سوری اشاره کرد و گفت: سال گذشته زیر پول چوبی، در انبار مواد محترقه‌ای که چندین نفر در آن در حال کار بودند، انفجاری رخ داد که ۴ نفر در آن کشته شدند. سخنگوی آتش‌نشانی تهران، آموزش را راه‌حلی برای جلوگیری از این حوادث اعلام کرد و توضیح داد: بسیاری از جوانان ما پر از انرژی هستند و راه تخلیه این انرژی را بلد نیستند و باید آموزش ببینند. من معتقدم که این آموزش باید از خانواده‌ها شروع شود و امیدوارم فرهنگسازی و آموزش باعث شود در آینده با خطرات کمتری مواجه شویم.

۵۰فقره زور گیری در پرونده ۵ تبهکار

۵ تبهکار که با تشکیل باند زور گیری از ۵۰ نفر در شرق تهران زور گیری کرده بودند، توسط کارآگاهان پلیس دستگیر شدند. به گزارش همشهری، باوقوع زور گیری‌های سریالی از شهروندان با استفاده از سلاح سرد در شرق تهران، رسیدگی به این پرونده در دستور کار گروهی از کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. با توجه به حساسیت موضوع، کارآگاهان تحقیقات ابتدایی را آغاز کردند و در بررسی‌ها متوجه شدند که سرت‌ها توسط ۵ جوان سابقه دار انجام شده است.

کارآگاهان با بهره گیری از شیوه‌های نوین کشف جرم و با بازبینی‌های تصاویر ضبط شده توسط دوربین‌های مدار بسته اطراف صحنه جرم موفق شدند هویت اعضای این‌بند را با نداشتن شناسایی کنند. تحقیقات درباره اعضای این باند حاکی از این بود که آنها دست به سرقت‌های متعددی زده‌اند.

کارآگاهان باهدست آوردن این سرخ مهم با اقدامات اطلاعاتی، مخفیگاه متهمان را در یکی از محله‌های تهران شناسایی و پس از هماهنگی‌های لازم با مرجع قضایی آنها را در عملیاتی منسجم دستگیر کردند. متهمان در جریان بازجویی‌های مقدماتی به ۵۰ فقره زورگیری از شهروندان در خیابان‌های تهران اعتراف کردند. همچنین شماری از مالیاتخگان در مواجهه حضوری با زورگیران آنها را به‌عنوان سارق اموال خود شناسایی کردند. سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران ضمن بیان جزئیات این پرونده گفت: با ادامه تحقیقات در این پرونده، مالخر این باند را نیز شناسایی و دستگیر کردیم و در بازرسى از مخفیگاه وی ۵۰دستگاه تلفن همراه مسروقه نیز کشف شد. به گفته وی، متهمان با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات برای کشف سایر جرائم احتمالی آنها از سوی کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی ادامه دارد.



دستگیری عاملان ضرب‌وشتم اعضای تیم تراکتور

۴نفر که در جریان درگیری با اعضای تیم فوتبال امید تراکتورسازی، شماری از بازیکنان را مجروح کرده بودند، توسط پلیس دستگیر شدند. دستگیرشدگان ظهر دوشنبه درحالی‌که تیم امید تراکتور در حال ورود به ورزشگاه آزادی کرمانشاه بود، سد راه اتوبوس این تیم شدند و ضمن تخریب اتوبوس ۴نفر از بازیکنان را مجروح کردند.

زندگی مخفیانه جوانی که به‌خاطر نگاه‌چپ، دست‌به جنایت زده بود، پس از ۱۹ماه با بیان یافت

جنایت‌هایی با انگیزه‌های باورنکردنی

گزارش

الیه فراوانی
روزنامه‌نگار

پسر جوانی که تنها به‌خاطر «یک نگاه چپ» دست به جنایت زد و ۱۹ماه با هویت جعلی زندگی می‌کرد، در پایتخت دستگیر شد.

به گزارش همشهری، دوم مرداد سال گذشته ۶پسر جوان که با یکدیگر دوست و فامیل بودند برای تفریح و خوشگذرانی به منطقه چهارباغ شهرستان نهاوند واقع در استان همدان رفتند. آنها درحالی‌که بساط جوجه‌کیاب راه انداخته بودند با ۲پسر غریبه به نام‌های میلاد و سجاد روبه‌رو و برای یک لحظه چشم در چشم شدند.

همین چشم‌در چشم‌شدن آنها باعث شد که ناگهان سجاد با گفتن این جمله که «چرا چپ‌چپ نگاه می‌کنید»، درگیری هولناکی راه‌ببفتد؛ درگیری‌ای که در جریان آن جوانی ۲۰ساله به نام مهران با ضربات چاقوی سجاد به قتل برسد.

مرو

تاکنون جنایت‌های زیادی در سراسر کشور رخ داده که حتما از شنیدن انگیزه آنها متعجب می‌شوید؛ انگیزه‌هایی که باور آن نمی‌شود آغازگر هولناک‌ترین درگیری‌ها باشند

به‌خاطر یک طوطی

یکی از عجیب‌ترین انگیزه‌ها برای ارتکاب جنایت، «طوطی کاسکو» بود. ماجرا از این قرار بود که جوانی یک طوطی کاسکو به دوستش امانت داد. ۲هفته از این اتفاق گذشت و صاحب طوطی نزد دوستش رفت تا پرنداش را تحویل بگیرد، اما او حاضر به پس دادن پرند نشده؛ آن روز دعوایی میان ۲دوست شکل گرفت که به قتل یکدیگی از آنها منجر شد. این جنایت اردیبهشت سال ۹۳رخ داد و قاتل که فراری شده بود بعد از ۵ماه دستگیری از سسوی رسانه‌ها، آموزش و گفت: مقتول دوست صمیمی‌ام بود. او شب حادثه پیش من آمد و گفت طوطی‌اش را می‌خواهد. من گفتم طوطی داخل اتاق است و پدر و مادرم خواب هستند و نمی‌توانم الان طوطی را پس بدهم. او عصبانی شد و با هم درگیر شدیم و این جنایت رخ داد.

تفاله‌چای

۸سال پیش بود که مردی جوان پس از نوشیدن یک فنجان چای قرنی‌ای دعوایی عجیب شد. او پس از نوشیدن چای تفاله آن را از پنجره بیرون ریخت. تفاله روی سر یکی از همسایه‌ها فرود آمد و همین

با فرار سجاد از مهلکه، وی تحت تعقیب پلیس قرار گرفت، اما هیچ سرنخی از او نبود؛ حتی نزدیکی‌اش هم می‌گفتند که نمی‌دانند وی کجا رفته و عده‌ای نیز مدعی شدند که او به خارج از کشور گریخته است. تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل پلیس باخبر شد که وی به‌تازگی اقدام به خرید از طریق کارت عابر بانک کرده و به این ترتیب ردپای او در یکی از محله‌های پایتخت به‌دست آمد. با این سرخ مأموران راهی متفیکه‌های شدند و در یک عملیات ضربتی سجاد را دستگیر کردند.

سجاد در بازجویی‌ها به ارتکاب جنایت اعتراف کرد و مدعی شد که فقط به‌خاطر «نگاه چپ» دست به قتل مهران زده است. وی توضیح داد: روز حادثه با دوستم میلاد به تفریح رفته بودیم که در آنجا چشممان به مقتول و دوستانش افتاد. آنها عتف بودند که احساس کردم چپ‌چپ نگاهمان می‌کنند و به همین دلیل با آنها درگیر شدم؛ هر چند مدعی بودند که هیچ منظوری نداشته‌اند، اما

جنایت ۵۰۰تو مانی

انگیزه جنایت شد. عامل جنایت که مردی مغزده‌دار بود پس از دستگیری گفت: مقتول در ساختمان بالای مغازه‌ام سکونت داشت، آن روز مقابل مغازه‌ام ایستاده بودم. ناگهان احساس کردم که چیزی روی سرم افتاد، بالا را که نگاه کردم مرد همسایه را دیدم. او با وجود اینکه من در آنجا ایستاده بودم، تفاله چای خود را به پایین ریخت که همین باعث عصبانیت من شد، با او درگیر شدم و ناخواسته وی را به قتل رساندم.

به‌خاطر کیوتر

«کیوتر» یکی دیگر از انگیزه‌های عجیب است که تا حالا باعث تشکیل چندین پرونده قتل شده است. یکی از این چند سال پیش اتفاق افتاد. قاتل، جوانی به نام سیامک بود که شب حادثه به پشت‌بام خانه عمویش رفت و مشغول کشیدن قلیان شد.

همان لحظه تعدادی از کیوترهای پسر همسایه روی پشت‌بام آنها نشستند، سیامک و پسرعموهایش کیوترها را پر دادند که همین کارشان باعث درگیری آنها با پسرهای همسای شد. دعوا حتی به خانواده‌های دوطرف هم کشیده شد. در نهایت سیامک که نتوانسته بود خشمش را کنترل کند، جان مرد همسایه را گرفت.

یکی دیگر از حادثه‌های باورنکردنی، قتل دوست به‌خاطر یک اسپیکر بود. ماجرا از این قرار بود که مقتول، اسپیکر خود را به دوستش امانت داده بود، اما وی حاضر به برگرداندن اسپیکر نمی‌شد. این قاتل دوست بر سر این موضوع عجیب با هم درگیر شدند و حتی شاهدان هم نتوانستند به‌دویشان پایان دهند. ناگهان قاتل که حاضر به برگرداندن

«آدم‌خوار» کانادایی در آستانه آزادی از زندان

اتفاقی که خشم مردم کانادا و خانواده قربانیان را به همراه داشت

با حفاری مزرعه مخوف قاتل سریالی، بقایای اجساد ۴۹ نفر پیدا شد.

«آدم‌خوار» قاتل قربانیان خیابانی انتخاب می‌کرد.

فریزرهای مخوف

رابرت همچنان مهم‌ترین مظنون پرونده به‌شمار می‌رفت و مأموران منتظر بودند شاید بتوانند سرنخی علیه او پیدا کنند. در سال ۲۰۰۲ بود که مأموران بار دیگر راهی مزرعه رابرت شدند. این بار گزارش شد که او در مزرعه‌اش سلاح گرم غیرمجاز نگهداری می‌کرد و مأموران به همین بهانه تصمیم گرفتند بار دیگر آنجا را بازرسی کنند. در جریان این بازرسی‌ها بود که ۲فریزر در این مزرعه پیدا شد که مملو از بسته‌های گوشت بود. هر چند رابرت مدعی بود که همه آنها گوشت خوک هستند، اما پس از انتقال آنها به آزمایشگاه، معلوم شد که برخی از بسته‌ها گوشت انسان هستند. مأموران حالا سرخ محکمی علیه رابرت پیکتون به‌دست آورده بودند. حکم حفاری در مزرعه او را از دادگاه گرفتند و در جریان عملیات بزرگی که بیش از ۷۰میلیون دلار هزینه داشت، جیب به جیب این مزرعه حفاری شد و به این ترتیب بقایای اجساد قربانیان زیادی از دل زمین بیرون کشیده شد.

مزرعه مرگ

راز جنایت هولناک رابرت پیکتون در سال ۲۰۰۲ فاش شد. پیش از آن پلیس در جریان ناپدید شدن مرزوز زنان خیابانی قرار گرفته بود و از آنجا که هیچ ردی از این زنان به‌دست نیامده بود، فرضیه اینکه همه آنها قربانی یک قاتل سریالی شده باشند، مدنظر قرار گرفت. اما مأموران پلیس که از سال ۱۹۹۷ روی پرونده ناپدید شدن زنان خیابانی تحقیق می‌کردند، به سرنخ‌هایی دست یافتند که آنها را به سمت یک مزرعه پرورش خوک در اطراف شهر ونکوور هدایت می‌کرد. صاحب این مزرعه، مردی به نام رابرت پیکتون بود. اظهارات برخی از شاهدان از این حکایت داشت که تعدادی از زنان ناپدید شده آخرین بار در نزدیکی این مزرعه مشاهده شده‌اند. در این شرایط مأموران پلیس، راهی مزرعه شدند و به بازرسی آنها پرداختند. اما هیچ مدرکی که نشان دهد رابرت پیکتون در این پرونده نقش داشته، به‌دست نیامد.

چهارشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳ — شماره ۹۰۳۹۵

خبر

خبر

داخلی

اعضای بدن نوجوانی که نان آور خانواده بود به بیماران نیازمند اهدا شد

کارگر ۱۷ساله جان داد و جان بخشی‌د



«بعد از آنکه دیسک کمر گرفتم، پسرم با وجود سن کمی که داشت مدرسه رفت و به جایش کار کرد و نان آور خانه شد، اما یک حادثه او را از مسا گرفت و من و مادرش هم تصمیم گرفتیم اعضای بدنش را اهدا کنیم.» این حرف‌های

پدر پسر ۱۷ساله است که چندروز قبل در یک سانه رانندگی دچار مرگ مغزی شده پدر و مادرش برای نجات بیماران نیازمند، اعضای بدن او را اهدا کردند.

به گزارش همشهری، قهرمان گزارش ما که اسماعیل پرویزی، نام داشت، ۱۷ساله اهل شهرستان راجرگلان استان خراسان شمالی بود. او همراه پدر و مادر و برادر کوچک‌ترش از مدتی قبل برای کار و ادامه زندگی به ایوانکی در شرق تهران مهاجرت کردند. او تا کلاس هشتم درس خواند اما وقتی پدرش که کارگر بود دچار دیسک کمر شد و دیگر نمی‌توانست مثل سابق کار کند، دیگر غث‌ترش به جوش آمد و بارها کار کردن درس و مدرسه سر کار رفت تا آن را به بعد نان آور خانه باشد. او کارگر یکی از کارخانه‌ها شده بود و هر روز صبح خیلی زود، سر کار می‌رفت و تا دیروقت کار می‌کرد. دلخوشی‌اش این بود، اگر مدرسه نمی‌رود و در اوقات فراغتش مثل بقیه بچه‌ها بازی نمی‌کند، اما نان آور خانه شده و زندگی خانواده‌اش با دسترنج او اداره می‌شود.

خبر بد

زندگی سخت اما با عزت این خانواده ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل حادثه تلخی اتفاق افتاد. جواد پرویزی، پدر اسماعیل درباره این حادثه به همشهری می‌گوید: من برای شرکت در مراسم ترحیم یکی از اقوام به‌بجنورد رفته بودم که تماس گرفتند و گفتند اسماعیل دچار حادثه شده است. آنطور که می‌گفتند خودرویی با پسرم تصادف کرده و او وضعیت سختی داشت. همان موقع بود که ما شنیدیم این خبر سوار ماشین شدم و به ایوانکی آمدم. پسرم همیشه با سرویس سر کار می‌رفت و برمی‌گشت، اما نمی‌دانم آن روز چرا او با موتورسیکلت سر کار رفته بود. در راه برگشت یک ماشین با او تصادف کرده بود. وقتی در بیمارستان بالای سر پسرم رفتم فهمیدم که در این تصادف پا و لگن اسماعیل شکسته اما آسیب مهم‌تر به سرش وارد شده بوده طوری که پزشکان گفتند او وضعیت خوبی ندارد و باید برایش دعا کنیم.

مرگ مغزی

پدر داغدار اسماعیل در ادامه می‌گوید: ماروزها و شب‌های سختی را در بیمارستان بالای سر اسماعیل گذراندیم. با اینکه وضعیت وخیمش را می‌دیدیم، اما امید داشتیم که او به زندگی برگردد. هر چه باشد او با سن کمی که داشت خانواده ما را اداره می‌کرد. پدر اسماعیل ادامه می‌دهد: او حدود ۱۱ روز در بیمارستان بستری بود و کادر پزشکی همه تلاش‌شان را برای نجات پسرم انجام دادند، اما فایده‌ای نداشت و در نهایت گفتند او دچار مرگ مغزی شده به زندگی بر نمی‌گردد و بهتر است که اعضای بدنش را به بیماران نیازمند اهدا کنیم. با وجود اینکه پدر و مادر اسماعیل به این باور رسیده بودند که پسرشان دیگر به زندگی بر نمی‌گردد اما اهدای اعضای بدن او برای‌شان سخت بود. پدرش در این باره می‌گوید: این کار در خانواده ما سابقه نداشت و تا به حال هیچ‌کس چنین کاری انجام نداده بود. با وجود این یاد حرف‌های پسرم افتادم. او قبلاً گفته بود چرا وقتی فردی دچار مرگ مغزی می‌شود و به‌جز مغز سایر اعضای بدنش زنده است او را به خاک می‌سپارند؟ او گفته بود دوست دارد اگر روزی دچار حادثه شد، اعضای بدنش به بیماران نیازمند اهدا شود. وقتی یاد این حرف‌ها افتادم با همسر مشورت کردم و در ادامه تصمیم گرفتیم اعضای بدن اسماعیل را اهدا کنیم و به این ترتیب رضایت‌نامه را امضا کردیم و همه اعضای پسرم که قابلیت پیوند داشت به بیماران نیازمند اهدا شد.

وداع آخر

پدر اسماعیل می‌گوید: ما اهل سنت هستیم. پسرمر عید قربان به دنیا آمده بود و به همین دلیل اسمش را اسماعیل گذاشته بودیم و در سنت روز جشن نیمه شعبان هم از دنیا رفت. وقتی این اتفاق برای پسرم افتاد شوکه بودیم و به همین دلیل ابتدا با اهدای عضو مخالفت کردیم اما کسی که با خودمان خلوت کردیم به این نتیجه رسیدیم که اهدای عضو بهترین کار است.

او ادامه می‌دهد: روزهای اول آرام و قرار نداشتیم و در شوک بودیم اما بعد از گذشت چند روز از این حادثه، اهدای اعضای بدن اسماعیل باعث شد سبک شویوم و بتوانیم این داغ بزرگ را راحت‌تر تحمل کنیم. اینکه می‌دانیم اعضای بدن پسرمان در بدن افرادی که مدت‌ها در انتظار عضو پیوندی بودند قرار دارد و زنده است به ما آرامش می‌دهد. به خانواده‌هایی که خدای نکرده در موقعیتی مثل ما قرار می‌گیرند توصیه می‌کنم که بین دفن کردن اعضای بدن عزیزشان با اهدای آن به بیماران دومین راه را انتخاب کنند.

مرگ تلخ ۲کودک در چادر

به‌دنبال آتش‌سوزی در یک چادر عشایری در استان اردبیل ۲پسر بچه خردسال جان باختند. به گزارش همشهری، این حادثه درناک حدود ساعت ۸صبح دیروز در قشلاق علم‌لو در شهرستان اصلاندوز واقع در استان اردبیل رخ داد. ماجرا از این قرار بود که ۲پسر بچه یک و ۸ساله در یک چادر عشایری تنها بودند که بنا به دلایلی که هنوز مشخص نشده است، این چادر ناگهان دچار آتش‌سوزی شد. روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل اعلام کرد: به دنبال گزارش این حادثه به اورژانس، بلافاصله آمبولانس‌های ۱۱۵ به محل حادثه اعزام شدند، اما متأسفانه هر دو پسر بچه به دلیل سوختگی شدید قبل از رسیدن نیروهای امدادی فوت کرده بودند. تحقیقات درباره علت این حادثه ادامه دارد.